

## واکاوی مفهوم ظلم‌ستیزی در نهضت شیعی سربداران

سینا میرشاهی<sup>۱</sup>

منصوره بکایی جوپاری<sup>۲</sup>، سعیده قره‌چاهی<sup>۳</sup>

### چکیده:

مغولان با شکست حکومت خوارزمشاهیان سرزمین ایران را به تصرف خود در آوردند. اوضاع سیاسی - اجتماعی این دوره با جنگ‌ها و نا امنی‌های فراوان همراه بود. مغولان با تشکیل حکومت ایلخانی تا یک صدسال سلطه خود را بر مردم ایران ادامه دادند. این حکومت ستم‌گر با هر حرکت و جنبش مردمی به سختی مقابله می‌کرد. با درگذشت ابوسعید آخرین ایلخان مقتدر ایلخانی، سرزمین ایران را هرج و مرج فرا گرفت و جنگ‌های بی شماری بین رقیبان برای تصاحب جانشینی در گرفت. این نبردها برای مردم ایران و بخصوص خراسان نتیجه‌ای جز ظلم و ستم بیشتر به همراه نداشت. در چنین اوضاعی نهضت شیعی سربداران بر علیه ظلم و بی عدالتی طبقه حاکم شکل گرفت. نهضت سربداران خراسان که ماهیتی ظلم‌ستیزانه داشت موفق به تشکیل حکومت شد و همچنین از قیام‌های ظلم‌ستیز سربداران کرمان، سربداران سمرقند و مرعشیان مازندران حمایت کردند. این نهضت با بازتولید مفهوم ظلم‌ستیزی شیعی و حمایت از قیام‌های ظلم‌ستیز توانست روحیه مقابله با بیگانگان را در مردم ایران احیاء کند. با عنایت به مطالب فوق بررسی مفهوم ظلم‌ستیزی و حمایت از قیام‌های ظلم‌ستیزانه در نهضت شیعی سربداران از اهداف و نو آوری پژوهش حاضر می‌باشد. روش تحقیق در این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی و متکی بر منابع کتابخانه‌ای می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** خراسان، سربداران، ظلم‌ستیزی، قیام‌ها.

---

۱. دانشگاه پیام نور

۲. دانشگاه پیام نور

۳. دانشگاه شهید باهنر کرمان

مقدمه :

مغولان در ابتدای قرن هفتم هجری قمری به سرزمین ایران یورش بردند و توانستند این سرزمین پهناور را تصرف نمایند. با تصرف ایران به دست مغولان، مردم ایران حکومت سلسله‌ای از حاکمان مغولی را تجربه کردند که ظلم و ستم ارمغان ایشان بود. در چنین شرایط سیاسی و اجتماعی، هرگاه مردم ایران به قیام یا نهضتی دست می‌زدند با واکنش قهرآمیز مغولان روبرو می‌شدند. با گذشت ابوسعید ایلخانی آخرین فرمانروای مغول ایلخانی سرزمین ایران درگیر کشمکش‌های داخلی و جنگ‌های جان‌شینی بین فرماندهان و امیران مغولی شد. این جنگ‌ها برای مردم ستم دیده ایران خصوصاً خراسان نتیجه‌ای جز ناامنی و افزایش مالیات‌ها نداشت. در چنین اوضاعی نهضت شیعی سربداران بر علیه ظلم و ستم طبقه ی حاکم قیام نمود. یکی از عواملی که خراسانیان به ویژه مردم سبزوار به این نهضت پیوستند شعارهای ظلم‌ستیزانه رهبران مذهبی و رهبران سیاسی سربداری بود. مردم به خصوص جامعه روستایی سبزوار که دیگر تاب ظلم و ستم مغولان را نداشتند با پیوستن به این نهضت به مقابله با بیگانگان پرداختند. نهضت شیعی سربداران خراسان پس از پیروزی اولیه در برابر مغولان و تشکیل حکومت به حمایت از قیام‌های ظلم‌ستیز معاصر خود پرداخت. قیام‌های سربداران کرمان، سربداران سمرقند و مرعشیان مازنداران از جمله این قیام‌ها بودند که از حمایت و کمک‌های سربداران خراسان سود بردند. این پژوهش می‌کوشد تا پاسخی به این سوال دهد که چرا مفهوم ظلم‌ستیزی بیشترین نقش را در موفقیت و تشکیل حکومت سربداران خراسان داشته است؟ شعارهای ظلم‌ستیزانه سربداران خصوصاً رهبران مذهبی آن چون شیخ خلیفه و شیخ حسن جوری که تحت تأثیر واقعه ی عاشورا و فرهنگ مقاومت نهفته در فرهنگ عاشورایی است بیشترین نقش را در تشکیل و موفقیت سربداران خراسان داشته است.

اگرچه تاکنون تحقیقات و پژوهش‌هایی در مورد ماهیت و چگونگی تشکیل حکومت سربداران خراسان صورت گرفته است اما تاکنون اثری که به صورت یک پژوهش مستقل به بحث ظلم‌ستیزی این نهضت پرداخته باشد وجود ندارد. از این حیث این پژوهش دارای نوآوری می‌باشد.

### آغاز نهضت شیعی سربداران

با سقوط حکومت خوارزمشاهیان و پس از آن فروپاشی خلافت عباسیان در بغداد توسط قوم مغول، مغولان به تنها قدرت برتر در جهان اسلام تبدیل شدند. حکومت ایلخانان ایران که با شخص هلاکو آغاز شد حدود یک قرن دوام آورد. آخرین سلطان این خاندان ابوسعید ایلخانی بود (آزند، ۱۳۶۳: ۱۵). با درگذشت سلطان ابوسعید و فروپاشی حکومت ایلخانی در سال ۷۳۶ هجری قمری هرج و مرج و ناآمنی سرتاسر سرزمین ایلخانان را فرا گرفت (ترکمنی آذر، ۲۸۲: ۱۳۸۵). در چنین وضعیتی در هر ناحیه و قسمتی از سرزمین پهناور ایلخانی، فردی ادعای قدرت و فرمانروایی داشت و ناحیه یا منطقه‌ای را به تصرف خود در آورده و به حکومت‌های همجوار نیز طمع داشت. این عامل در نهایت موجب کشمکش‌ها و درگیری‌های بی نتیجه‌ای میان حکام نواحی مختلف شد. ادامه یافتن این نزاع‌های داخلی برای مردم ستم دیده ایران که در زیر سلطه حکام ظالم بودند فاجعه بار بود. مخارج این جنگ‌های بی ثمر که از طریق مالیات‌های نا عادلانه مردم پرداخت می‌شد اوضاع سیاسی و اقتصادی مردم را تحت شعاع خود قرار داده بود (راوندی، ۳۳۱: ۲/۱۳۸۲). همچنین اوضاع سیاسی خراسان به علت جنگ‌طلبی‌های شخص طغاتی‌مور رو به وخامت گذاشت. رفتارهای ظالمانه‌ی طغاتی‌مور و دیگر مدعیان قدرت موجب گسترش نارضایتی‌های عمومی در این نواحی شد. استمرار این وضعیت که با ظلم و ستم بر مردم همراه بود زمینه قیام بر علیه نابرابری‌ها و بی عدالتی‌ها را فراهم کرد. در مورد آغاز شکل‌گیری نهضت سربداران روایت‌های گوناگونی در منابع تاریخی ذکر شده است اما همه‌ی منابع بر شروع این نهضت آزادی بخش در روستای باشتین بی‌هق تأکید دارند. امیر عبدالرزاق از پهلوانان و نام‌آوران بی‌هق رهبری قیام سربداران خراسان را برعهده گرفت (ترکمن آذر، ۱۳۸۵: ۲۸۵). امیر عبدالرزاق به گروهی از نارضیان که با عاملان مالیات بگیر طغاتی‌مور درگیر شدند پیوست و با بهره‌گیری از احساسات نارضیان قیامی مردمی بر علیه ظلم و ستم به راه‌انداخت (میرخواند، ۱۳۸۰: ۳/۳۵۵) (تتوی، قزوینی، ۱۳۸۲: ۷/۴۴۸۴) (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۲/۴۱) (حافظ‌ابرو، ۱۳۸۰: ۸۱) (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۲/۸). برخی پژوهشگران اقدامات سختگیرانه‌ی فئودال‌های محلی در بهره‌کشی از مردم را مهمترین عامل شکل‌گیری نهضت آزادی بخش سربداران دانسته‌اند (حقیقت، ۱۳۶۳: ۹۴). امیر عبدالرزاق پس از موفقیت اولیه در برابر متجاوزان و تصرف بی‌هق در نبردی نیروهای طغاتی‌مور حاکم خراسان را که برای

پس‌گیری شهرهای تصرف شده توسط سربداران فرستاده بود شکست سختی داد. با شکست نیروی‌های طغایمور شهرت و آوازه سربداران در مناطق دیگر فراگیر شد. امیر عبدالرزاق پس از مدتی به دست برادرش امیر وجیه‌الدین مسعود سربداری به قتل رسید و امیر وجیه‌الدین مسعود به حکومت سربداران دست یافت. وی را موسس حقیقی حکومت سربداران خراسان می‌دانند. امیر مسعود سربداری پس از رسیدن به قدرت، با شیخ حسن جوری که از عالمان به نام شیعی بود و همچنین در میان مردم نفوذ داشت متحد شد. با این اتحاد دو جریان مذهبی -سیاسی به رهبری شیخ حسن جوری و امیر وجیه‌الدین مسعود جریان مستقلی را پدید آوردند (ابرو، ۱۳۸۰: ۸۳). با این اتحاد قیام سربداران خراسان رنگی شیعی و مذهبی به خود گرفت (آژند، ۱۳۶۳: ۱۰۳). آخرین تلاش فرماندهان ایلخانی برای شکست دادن نهضت سربداران به رهبری امیر ارغونشان صورت گرفت که وی در نبردی در نزدیکی نیشابور از نیروی سربداران شکست خورد و گریخت (راوندی، ۱۳۸۲: ۲/۳۳۵). سربداران حدود نیم قرن در سبزواری قدرت داشتند و دوازده تن از آنها به حکومت رسیدند (براون، ۱۳۲۹: ۲۳۵). حافظ ابرو در اثر معروف خود «زبده التواریخ» با آوردن ابیات زیر روحیه جنگ آوری و شجاعت سربداران را نشان می‌دهد:

به گه وقفه یک‌به‌یک صفدار	به گه حمله سربه‌سر صفدر
چرخ از بیم تیغشان به فزَع	مرگ از نوک رُمحشان به حذر
با هژبران به بیشه هم بالین	با پلنگان به کوه هم بستر

(حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۸۳)

### بررسی مفهوم ظلم‌ستیزی در نضت شیعی سربداران

#### ظلم‌ستیزی

ظلم و ظالم از واژه‌های است که در قرآن به آن توجه شده است. در قرآن ۲۹۰ آیه به محبت ظلم و ظالم می‌پردازد و از همین جهت ظلم‌ستیزی از اهمیت فراوانی در بین مسلمانان به خصوص شیعیان برخوردار می‌باشد.

﴿انَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾

قطعاً برای ستمگران عذاب دردناکی هست. (ابراهیم/۲۲)

در سیره اهل بیت نیز به مبحث ظلم و ظالم به عنوان یکی از مهم‌ترین مفاهیم پرداخته شده است و ائمه اطهار(ع) به ویژگی‌های ظلم و حاکمان ظالم بسیار اشاره کرده‌اند. در تاریخ اسلام و ایران این مفهوم خصوصاً برای شیعیان تداعی‌گر ستم‌ها و شکنجه‌های حاکمان در طول تاریخ است. یکی از دوره‌های تاریخی ایران که ظلم و ستم بر مردم افزایش می‌یابد و باعث قیام‌های ظلم‌ستیزانه مردم خصوصاً شیعیان در برابر آن شد دوره ی مغولان و خاصه ایلخانان ایران است. پس از مرگ ابوسعید ایلخانی بی‌ثباتی و هرج و مرج سراسر سرزمین ایران را فرا گرفت. در چنین وضعی مردم ایران بخصوص خراسان به نفی ظلم و ظالم پرداختند و هرگونه ظلم به حق رعیت را ناروا دانستند. مرعشی در کتاب خود «تاریخ طبرستان و رویان و مازندران» به این موضوع که مردم از ظلم و ستم به تنگ آمده‌اند اشاره می‌کند:

«در آن وقت تغا تیمور پادشاه آن طرف موسوم شده و در خراسان خطبه و سگّه به نام او می‌کردند و قومی از جته که از طایفه اشراک اتراک بودند با او موافق گشتند و در خراسان بدسیرتی می‌کردند و از وزرای قدیم و اکابر خراسان علاء الدین محمد در آن مملکت متمکن بود از آن سبب عرصه خراسان به رعایا تنگ شد و ظلم از حدّ بگذشت» (مرعشی، ۱۳۴۵: ۴۱).

در تاریخ ایران بعد از اسلام تا تشکیل دولت صفویه تنها نهضتی که به مقوله ی ظلم‌ستیزی توجه بسیاری نمود سربداران خراسان بودند. سربداران خراسان ظلم‌ستیزی را هدف اصلی و اساسی خود در برابر بیگانگان اعلام نمودند (صفا، ۱۳۷۸: ۳/۳۳). شعار ظلم‌ستیزی و پایداری در برابر ظالم در خود نام سربداران نهفته است و آنان این شعار را مهم‌ترین هدف خود قرار دادند. عبدالرزاق سمرقندی با صراحت به ظلم‌ستیزی سربداران اشاره می‌کند:

«اگر خدا ما را توفیق دهد رفع ظلم و دفع ظالمان کنیم والا سر خود بر دار اختیار داریم و تحمل جور و ستم نداریم.» (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱۷۶).

ظلم‌ستیزی و نبرد با ظالم در نهضت سربداران به نوعی تحت تأثیر واقعه ی عاشورا بوده است و این مهم در سخنان برخی از رهبران مذهبی سربداری آشکار است. شیخ خلیفه نشستن و وعظ کردن را جایز نمی‌دانست بلکه با توصل به ائمه اطهار خصوصاً امام علی(ع) و امام حسین(ع) که علیه ظلم و ستم قیام کرده‌اند، مبارزه با فسق و فجور را الزامی می‌دانست و همچنین وی مردم را به ظهور حضرت مهدی(عج) و نابودی ظلم و ستم بشارت می‌داده است (آژند، ۱۳۶۳: ۷۷). همین بعد مذهبی تعالیم شیخ خلیفه بود که باعث وحشت هیأت حاکم در

خراسان شد (همان: ۷۸) خواجه علی مؤید آخرین امیر سربداری نیز مردم را به ظهور حضرت مهدی (عج) و پایان ظلم بشارت داده است:

«خواجه علی مؤید چون به تائید الهی در سبزوار بر مسند شهریاری نشست در اظهار شعار مذهب علیه امامیه مبالغه نموده به اقصی الغایه در تعظیم سادات عظام کوشید و به امید ظهور صاحب‌الزمان سلام الله علیه هر صباح و مساء انتظار می‌کشید لطف و کرم آن خواجه محتشم را نهایت نبود» (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۳/۳۶۰).

گرایش مردم ستم دیده ی خراسان به شیخ حسن جویری تحت تأثیر شعارهای ظلم‌ستیزانه وی بوده است (ترکمنی آذر، ۱۳۸۵: ۲۸۳). عبدالرزاق سمرقندی گرایش مردم به شیخ حسن جویری را بی نظیر توصیف می‌کند:

«به‌اندک مدتی چنان معتقد او شدند که به سخن او جان درمی‌باختند» (سمرقندی،

۱۳۸۳: ۱۷۴).

مفهوم ظلم‌ستیزی در نهضت سربداران به خوبی در نامه ی خواجه یحیی کرابی که در جواب طغاتی‌مور حاکم خراسان نوشته شده نشان داده شده است. سمرقندی این نامه را به زبان شعر در آورده است:

«گردن چرا نهیم جفای زمانه را	راضی چرا شویم به هرکار مختصر
دریا و کوه را بگذاریم و بگذریم	سیمرغ‌وار زیر پر آریم خشک و تر
یا بر مراد بر سر گردون نهیم پای	یا مردوار در سر همت کنیمسر»

(سمرقندی، ۱۳۸۳: ۲۸۱)

ظلم‌ستیزی در نهضت شیعی سربداران تحت تأثیر اندیشه‌های تشیع اثنی‌عشری و فرهنگ عاشورا بوده است که سربداران از آن برای رسیدن به مقاصد خود به خوبی بهره بردند. جلوه ی ظلم‌ستیزی نهضت سربداران در قیام‌های مردمی بعد از خود نیز تأثیر گذار بوده است و به نوعی در قرن هشتم هجری قمری سربدار به کسی اطلاق می‌شده است که در برابر جور و فساد حاکم قیام کند.

### حمایت از قیام‌های ظلم‌ستیزانه

پس از نهضت سربداران نهضت‌های آزادی بخش دیگری در قرن هشتم هجری قمری روی داد که از لحاظ ایدئولوژی به سربداران خراسان نزدیکی داشتند. سربداران خراسان به طور مستقیم از نهضت سربداران کرمان و مرعشیان مازندران که ماهیتی ظلم‌ستیز داشتند حمایت کردند و همچنین سربداران سمرقند و قیام مردم اصفهان از آنان تاثیر پذیرفتند.

### - سربداران و حمایت از قیام ظلم‌ستیز کرمان

پس از سقوط ایلخانان و تشکیل حکومت‌های محلی در قرن هشتم هجری قمری کرمان که قبل از آن توسط قراختائیان اداره می‌شد مورد توجه ملوک آل مظفر قرار گرفت و جنگ‌های طاقت فرسایی بین دو طرف در گرفت که نتیجه‌ای جز بدبختی و ظلم بیشتر بر مردم ستم دیده نداشت. در چنین اوضاع سیاسی و اجتماعی شاه شجاع مظفری پهلوان اسد خراسانی را به حکومت کرمان منصوب کرد. پهلوان اسد با مشاهده خرابی‌ها و ظلم‌هایی که آل مظفر در کرمان صورت داده بودند بر علیه آنها قیام کرد و نام سربدار بر خود نهاد (سمرقندی، ۴۶۱: ۲/۱۳۸۳). «پهلوان شهر خالی یافته بنیاد استحکام قلاع و عمارت بارو کرد و هرچند شاه را اعلام می‌نمودند باور نمی‌فرمود تا جناب پهلوان از عمارت قلاع و بارو بپرداخت و از اطراف خراسان و نواحی کرمان حشری جمع ساخت و از متمولان کرمان و متعلقان مادر شاه مال بسیار گرفت و داعیه شد که قرین خواجه علی مؤید در خراسان او نیز در کرمان سربدار باشد» (همانجا).

قیام سربداران کرمان به رهبری پهلوان اسد خراسانی، به علت ظلم و ستم بیش از حد آل مظفر بر مردم بود که موجب پایداری و مقاومت مردم در برابر این حاکمان ستمگر شد. (کتبی، ۹۹:۱۳۶۴). در چنین شرایطی حکومت سربداران خراسان که خود را حامی جنبش‌های ظلم‌ستیز می‌دانست به یاری این جنبش ضد ظلم برخاست. خواجه علی مؤید سربداری صد سوار سربدار به فرماندهی پهلوان غیاث تونی به کمک پهلوان اسد خراسانی فرستاد و با این اقدام خواجه علی مؤید آشکارا از قیام سربداران کرمان با ماهیت ظلم‌ستیزانه ی آن حمایت کرد.

«خواجه علی مؤید سبزواری التماس مددی کرده بود. او صد سوار آراسته سربدال با پهلوان غیاث تونی به مدد فرستاده بود، شاه یحیی به جهت اخراجات ایشان در تنگ بود، آن سواران را با پهلوان غیاث به مدد پهلوان اسد فرستاد» (کتبی، ۱۳۶۴: ۱۰۱).

### قیام سربداران سمرقند

شهر سمرقند از شهرهای مهم و تأثیرگذار منطقه ماوراالنهر در تاریخ بوده است و به همین علت مورد توجه حکومت‌های گوناگون قرار گرفته است. این شهر علت به علت قرارگیری بر سر جاده ابرایشم از اهمیت اقتصادی برخوردار بوده است اما این شهر به علت تاخت و تازهای مغولان و دیگر حکومت‌های ستمگر در قرن هفتم و هشتم وضع مساعدی نداشته است. سمرقند در این دوره تاریخی بستر جنگ‌های جانشینی بود که نتیجه‌ای جز بظلم و ستم بر مردم نداشت. در چنین شرایطی یکی از بزرگان سمرقند به نام مولانازاده در برابر ظلم و ستم بیگانگان قیام می‌کند و نام سربدار به خود می‌دهد. عبدالرزاق سمرقندی در کتاب مطلع سعدین و مجمع البحرین چگونگی آغاز قیام سربداران سمرقند را شرح می‌دهد:

«روز جمعه خواص و عوام در مسجد جامع آمده خاطر بر امری قرار نمی‌گرفت. در این حال، مردی دانشمند از بزرگ‌زادگان بخارا، مشهور به مولانازاده، تیرانداز و دلیر، شمشیر حمایل کرده بر پای خاست و آهسته آهسته رفته بر بالای منبر برآمد و سلام کرده آواز برآورد که معشرالمسلمین امروز غلبه کفار به قصد خان‌ومان مسلمانان آمده‌اند و حاکمی که جزیه مسلمانان را باج و خراج نام کرده می‌ستاند و به خاطر خود خرج می‌کند، چون دشمن پیدا شد، مسلمانان را به طرح ریخت و از پیش کفار گریخت و هرچند اهالی این شهر امانی و ساوری دهند خلاصی نخواهند یافت و روز قیامت سؤال از شما بزرگان خواهد بود. کیست که متصدی امر اسلام و متعهد خواص و عوام شود تا ما نیز در سر قدم او نهاده به خدمتکاری قیام نماییم.» (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱/۳۵۰).

اگرچه این قیام در نهایت با شکست مواجه شد اما حکومت مستقل سربداران سمرقند حدود شش یا هفت ماه طول کشید. اما نکته حائز اهمیت این است که این قیام تحت تأثیر قیام سربداران خراسان شکل گرفت و نهضت سربداران خراسان را با ویژگی آن در سمرقند احیا کرد.



(آژند، ۱۳۶۳: ۲۳۰). به اعتقاد برخی از پژوهشگران، کلو ابوبکر نداف از دیگر رهبران سربداران سمرقند از خراسان و تحت تأثیر سربداران خراسان به سمرقند رفته است (همانجا).

### حمایت از قیام مرعشیان مازندران

دین اسلام در قرن دوم هجری قمری در مازندران اشاعه یافت (آژند، ۱۳۶۳: ۲۴۶). و پس از آن سلسله‌های مختلفی در مازندران به قدرت رسیدند. سلسله‌های محلی مازندران به چندین شعبه تقسیم می‌شدند که هرکدام از این حکومت‌های محلی، منطقه‌ای را تحت سلطه خود داشتند و درگیری‌هایی بر سر قدرت در بین آنها وجود داشت. در نهایت کیا افراسیاب چلاوی دیگر مدعیان را شکست داد و به قدرت رسید. وی به مدت سیزده سال مازندران را به آشوب و غارت کشاند و هرج و مرج و نا امنی همه جا را فرا گرفت. کیا افراسیاب چلاوی وقتی که با مخالفت توده مردم مواجه گشت برای کسب مشروعیت، مرید سید قوام‌الدین مرعشی که در بین مردم احترام ویژه‌ای داشت شد. سید قوام‌الدین مرعشی مذهب تشیع اثنی‌عشری داشت (همان: ۲۵۴). وی از شاگردان شیخ خلیفه و شیخ حسن جویری بود که تحت تأثیر تفکرات انقلابی آنها قرار گرفته بود. ظهیرالدین مرعشی نویسنده کتاب «تاریخ طبرستان و رویان و مازندران» به این مطالب اشاره می‌کند:

«سید زاهد عابد متدین متورع عالم بود. و سید مذکور بعد از تحصیل علوم دینیّه متوجه مشهد مبارک حضرت علی بن موسی الرضا- علیه صلوات ربّ العالمین- گشت. و آن عتبه علیّه را بوسیده معاودت فرمود. در آن زمان شیخ بزرگ مقتداء شیخ حسن جویری و سید اعظم سید عزالدین سوغندی و درویش مبارک قدم بابا هلال که شیخ حسن جویری و بابای مذکورین بی‌واسطه مرید حضرت قطب العارفین شیخ خلیفه بودند. و سید عرفان شعاری سید عزالدین سوغندی به واسطه شیخ حسن جویری لباس فقر را دربر داشت. و در آن وقت شیخی و مریدی در آن دیار شهرت تمام داشت. و زمام اختیار آن ولایت در اکثر امور به دست شیوخ بود.» (مرعشی، ۱۳۴۵: ۱۶۶)

تفکرات سید قوام‌الدین مرعشی مانند شیخ خلیفه و شیخ حسن جویری پیرامون برابری و مساوات به شیوه قیام بر علیه ستمگران بود و به همین دلیل مورد توجه مردم مازندران قرار گرفت. اما رهبران سیاسی و مذهبی مازندران چون کیا افراسیاب چلاوی وی را مخالف تفکرات

خود می‌دانستند و به مبارزه با او پرداختند. کیا افراسیاب دستور زندانی کردن سید قوام‌الدین را صادر کرد اما با مقاومت مردمی روبرو شد و مردم سید قوام‌الدین را از بند آزاد کردند و او را به رهبری خود انتخاب کردند. کیا افراسیاب با توسل به نیروی نظامی در صدد نابودی سید قوام‌الدین مرعشی بر آمد که در نبرد «پرچین» از نیروهای سید قوام‌الدین مرعشی شکست خورد و به قتل رسید. با شکست کیا افراسیاب چلاوی حکومت مرعشیان مازندران تحت حمایت نهضت سربداران خراسان شکل گرفت (پطروشفسکی، ۱۳۵۱: ۱۰۷).

### نتیجه‌گیری:

مفهوم ظلم و ظلم‌ستیزی در آموزه‌های قرآنی و فرهنگ تشیع از اهمیت بی‌شماری برخوردار است و به همین علت در برخی از قیام‌ها در تاریخ ایران این مفهوم باعث گرایش مردم به آن شده است. قیام سربداران خراسان از جمله قیام‌های ظلم‌ستیز موفق در تاریخ ایران است که الگویی برای قیام‌های بعد از خود شده است. سربداران خراسان در دوره ی تاریخی‌ای که سراسر سرزمین ایران را هرج و مرج نا امنی فرا گرفته بود بر علیه ظلم و ستم حاکم، قیام کردند. یکی از مهمترین عواملی که باعث گرایش مردم خراسان بخصوص سبزوار به این نهضت شد شعارهای ظلم‌ستیزانه. این آموزه تحت تاثیر قرآن کریم و فرهنگ اهل بیت مهمترین هدف سربداران به شمار می‌آمد. رهبران مذهبی سربداران خراسان چون شیخ خلیفه و شیخ حسن جویری تحت تاثیر مفاهیم و اعتقادات فرهنگ شیعی به مفهوم ظلم و ظالمان پرداختند و موفق شدند مردم را با این مفاهیم آشنا و از آن در برابر بیگانگان استفاده نمایند. با تشکیل حکومت ظلم‌ستیز سربداران در خراسان این نهضت یکی از سیاست‌های خود را حمایت و دفاع از قیام‌های ظلم ستزانه قرار داد. اگرچه برخی از این حمایت‌ها به صورت مستقیم و برخی غیر مستقیم بوده است. حمایت از سربداران کرمان یکی از بارزترین حمایت‌های سربداران خراسان از قیام‌های ظلم‌ستیز است. حمایت‌های نظامی از سربداران کرمان نشان دهنده گرایش ظلم‌ستیز سربداران خراسان در دیگر نقاط سرزمین دارد. همچنین نهضت سربداران سمرقند و مرعشیان مازندران نیز تحت تاثیر سربداران خراسان بوده است و حتی برخی از رهبران آنها قبل از قیام در خراسان حضور داشته‌اند. نهضت سربداران از این جهت دارای اهمیت می‌باشد که آشکارا شعائر شیعی اثنی‌عشری را تبلیغ کردند و باعث شدند که حکومت‌های پس از خود چون صفویان حرکت و نهضت شیعی آنها را ادامه دهند.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آژند، یعقوب (۱۳۶۳) **قیام شیعی سربداران**، تهران: نشر گستر.
۳. ابن بطوطه، محمدبن عبدالله (۱۳۷۰) **سفرنامه ابن بطوطه**، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: موسسه انتشارات آگاه.
۴. اسفزاری، معین‌الدین محمدزمچی (۱۳۳۸) **روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات**، مصحح سیدمحمدکاظم امام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. بدلیسی، شرف‌خان (۱۳۷۷) **شرف‌نامه**، مصحح ولادمیر ولامینوف، تهران: انتشارات اساطیر.
۶. پطروشفسکی، ای. پ (۱۳۵۱) **نهضت سربداران خراسان**، ترجمه کریم کشاورز: تهران انتشارات پیام.
۷. تتوی، قاضی احمد، قزوینی، آصف‌خان (۱۳۸۲) **تاریخ الفی**، مصحح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۸. ترکمنی آذر، پروین (۱۳۸۵) **تاریخ سیاسی شیعیان اثنی‌عشری در ایران**: تهران، موسسه شیعه‌شناسی.
۹. حافظ ابرو، عبدالله ابن‌ابی لطف‌الله (۱۳۸۰) **زبده التواریخ**، مصحح سیدکمال حاج سیدجوادی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۰. حقیقت، عبدالرفیع (۱۳۶۳) **تاریخ جنبش سربداران و دیگر جنبش‌های ایرانیان در قرن هشتم هجری**، تهران: انتشارات علمی.
۱۱. خواندمیر، غیاث‌الدین هماد (۱۳۸۰) **حبیب السیر**، تهران: انتشارات خیام.
۱۲. راوندی، مرتضی (۱۳۸۲) **تاریخ اجتماعی ایران**، ج ۲، تهران: انتشارات نگاه.
۱۳. سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳۸۳) **مطلع السدین و مجمع البحرین**، مصحح عبدالحسین نوایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۴. سمرقندی، میرسیدشرف راقم (۱۳۸۰) **تاریخ راقم**، مصحح منوچهر ستوده، تهران: انتشارات بنیاد محمود افشار.

۱۵. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۸) **تاریخ ادبیات ایران**، ج ۳، تهران: انتشارات فردوس.
۱۶. کتبی، محمود (۱۳۶۴) **تاریخ آل مظفر**، مصحح عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۷. مرعشی، سیدظهیرالدین (۱۳۴۵) **تاریخ طبرستان و رویان و مازندران**، مصحح محمد حسین تسییحی، تهران، موسسه مطبوعاتی شرق.

#### مقالات:

۱. اللهیاری، فریدون و دیگران (۱۳۸۹) **حکومت‌های محلی در قرن هشتم هجری و مساله مشروعیت**، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی دانشگاه اصفهان، سال دوم، شماره دو، ص ۱-۲۴
۲. عباسی، جواد؛ راضی، زهره (۱۳۹۳) **مشروعیت ایرانی در حکومت‌های محلی ایران در قرن هشتم هجری**، فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخی محلی، سال دوم، شماره دوم، ص ۸۴-۹۸.